



آیت‌الله جوادی آملی  
عضو شورای عالی قضائی

# هَدَفٌ، بِرَّامِهِ وَرِشَابِنَبِيَّاءُ

## بیماران قلبی از دیدگاه قرآن

روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

آیاتی در قرآن کریم دلالت دارد بر اینکه انسانها از نظر باطن و جان، بر سه گروه تقسیم می‌گردند:

- ۱- زنده و سالم . ۲- مرده، متحرک .
- ۳- زنده و بیمار .

مؤمن زنده و سالم است . کافر و منافق ، مرده است و ضعیفا الایمان ، زنده بیمار است که مصداق "وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ" می باشد

اما اینها به حد کفر و نفاق نرسیده اند و اصل ایمان در آنان محفوظ است ولی ضعیفاست و در اثر تعلیم و تربیت ، امکان تقویست

ایمانشان هست و در اثر توبه و تربیت صحیح ممکن است سلامت قلب خود را باز یابند . که اگر توجهی نکنند و معالجه نکرده به حد مرگ می‌رسند . بنا براین در قرآن کریم تقسیم بندی فوق صورت گرفته و نیز مرحله دیگری بیان شده است که اگر بیماران قلبی معالجه نکرده به حد مرگ می‌رسند و در مرحله سوم راه تعلیم و تربیت را بیان نموده که با رعایت آن ، قلب ، سلامت خویش را باز یابد و با عدم رعایت آن به حد مرگ می‌رسد .

\*\*\*

کافر و منافق از نظر قرآن مرده اند :

قرآن ، بیان پیامبر (ص) را در کفار و منافقینی که مرده اند مؤثر نمی‌داند :  
 " إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ ، وَالْمَوْتَىٰ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ تَمَّ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ " (۱)  
 - فقط آنانکه گوش دارند به ندای تو جواب مثبت می‌دهند ولی مردگان در قیامت به حسابشان رسیدگی خواهد شد .

باز در سوره انعام ، آیه ۱۲۲ آمده است :  
 " أَوْ مِنْ كَانٍ مِّثْلًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَكَ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي-

"الظلمات ليس بخارج منها كذلك زين  
للظلمين ما كانوا يعملون"

یعنی آیا آنکس که مرده بود و مسا اورا  
زنده کردیم و با نور و روشنائی در بین مردم  
حرکت می‌کند، مانند کسی است که در  
تاریکیها فرورفته و رانجاتی برایش نیست؟  
اینها دو گروه هستند که هرگز با هم مساوی  
نیستند. مگر آنانکه بخود آیند و توبه‌کنند  
که پس از آن، زنده خواهند شد. بنابراین

"ما يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ" (۳)

— به گمان خود، خدا را فریب می‌دهند  
و آنان را که ایمان آوردند ولی فریب نمی‌دهند  
مگر خودشان را و نمی‌فهمند. چه شد که  
اینگونه شدند؟ آنان بیماری قلبی خویشرا  
درمان نکردند و به حد کفر و مرگ رسیدند.  
"فی قلوبهم مرض فزادهم الله مرضا"  
— در قلبهای آنان مرض است و خداوند  
مرض آنها را افزون نمود.

خدا اساک کند، احدی نتواند رحمت  
بفرستد.

"وَنَزَّلْنَا مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ  
لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا" (۵)

آنانکه نایستگی دارند، رحمت بر آنان نازل  
خواهد شد و برای ستمگران کمترین فائده  
نخواهد داشت بلکه خسران و زیان برای  
آنان خواهد بود.

پس خدا عذاب و مرض را نمی‌فرستد،  
بلکه همین که رحمت و عنایت خود را بر  
داشت، شخص نمی‌تواند روی پای خودش  
بایستد و سقوط می‌کند و اگر سقوط کرد در  
دنیا عذاب است تا برسد به عذاب اخروی.  
داشتن رفیق خوب نعمت است، داشتن یک  
استاد خوب نعمت است و همینطور هم بحث  
خوب یک نعمت است، وقتی شخصی لایق  
نبود، این نعمتها را خدا نمی‌دهد و وقتی  
نداد، سقوط می‌کند:

"وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ  
قَالُوا أَتُؤْمِنُونَ مِن كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ" (۶)

— میگویند آنان سفیه هستند و مرتجع و  
نادان می‌باشند، ما روشنگریم. قدم به قدم  
آنها را اغفال و منحرف نموده و تا جایی  
می‌رساند که میگویند:

"إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِئُونَ"

تا آنان سیر نزولی پیدا میکنند، مشمول  
آیه:

"وَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ  
رَجْسًا إِلَى رَجْسِهِمْ وَمَاتُوا وَهُمْ  
كَافِرُونَ" (۷)

می‌شوند تا به سرحد کفر و مرگ میرسند.  
و در آیه قبل از این آمده است:  
"وَإِذَا مَا أَنْزَلْنَا سُورَةً فَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ  
"آيَهُمْ زَادَتْ هَذِهِ آيَاتًا".

— وقتی سوره‌ای از طرف خداوند نازل

## هرگز خدا مرض و عذاب نمی‌فرستد ولی اگر رحمت

## و عنایت خود را بردارد و شخص را به حال خود واگذارد

### نماید، سقوط می‌کند

سرچشمه عذاب و بیماری:

هرگز خداوند مرض نمی‌فرستد ولی اگر  
رحمت و عنایت خود را بردارد و شخص را  
به حال خود واگذار نماید، سقوط می‌کند،  
همانگونه که کودک را اگر به حال خودرها  
کنند و اگر لجبازی کند و خود را رها کند،  
می‌افتد همینطور اگر انسان، نالایق شد،  
خداوند او را بخود واگذار می‌کند. بدین  
جهت رسول اکرم (ص) مکرر عرض می‌کرد:  
"الهی لا تکلنی الی نفسی طرفه عین"  
— خدایا مرا یک چشم بهم زدن، به  
خودم وامگذار و در دعای ماه رجب آمده:  
"ولا تکلنا الی غیرک".

— ما را بغیر خودت واگذار مکن، چون ما  
نمی‌توانیم به پای خود بایستیم و غیر خدا  
نمی‌تواند نگهدار ما باشد:

"مَا يَفْتَحُ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ  
لَهَا وَمَا يُمْسِكُهُمْ إِلَّا مِنْ بَعْدِهِ" (۴)

— اگر خداوند درهای رحمت خود را روی  
مردم بگشاید احدی نمی‌تواند ببندد و اگر

کفار و منافقین مردماند ولی آنانکه مصداق  
"الذین فی قلوبهم مرض" می‌باشند، قابل  
معالجه هستند و اگر خود را معالجه کنند  
زنده می‌شوند. و اما آنانکه:

"نَبَذُوا كِتَابَ اللَّهِ وَأَنتَبَهُمْ"  
— پشت به کتاب خدا کرده‌اند، مرده

خواهند بود؛ در سوره بقره، پنج آیه  
اولش، در باره مؤمنین نازل شده که از  
هدایت خاص برخوردارند، اینها گروه اولند  
که سالمند و زنده: "هدی للمتقین" تا

آخر این آیات، گروه دوم کفارند که مردماند:  
"إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ  
أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ خَتَمَ اللَّهُ  
"عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ، وَعَلَى  
"أَبْصَارِهِمْ غِشًّا وَقَوْلِهِمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ" (۲)

اینها صفات مردگان است که چشم‌های  
آنها نمی‌بیند و گوش آنها نمی‌شنود و دل—  
های آنها نمی‌فهمد. گروه سوم—  
منافقینی هستند که در اول، ضعیف‌الایمان  
می‌باشند:

"يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَاللَّهُ أَعْلَمُ" و

"جَمِيحًا" (۱۰)

— عزت را از درخانه غیر خدای جویند کسی که عزت می‌خواهد، سرچشمه عزت خداست.

"إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ"

با اعتقاد خوب و عمل صالح می‌توان به سرچشمه عزت دست یافت و اگر رسول الله — صلی الله علیه وآله — و سایر مؤمنین عزت دارند، ذات اقدس به آنها اعطا فرموده است:

"وَلِلَّهِ الْغَنَاءُ وَ لِرَسُولِهِوَالْيَمُونُ بَيْنِ"

با اعتقاد و عمل صالح می‌توان به عزت رسید، نه آنکه عمل، عقیده را جلو می‌برد خیر، جان و روح عمل عقیده است و عمل صالح انسان را سیر صعودی می‌دهد و در

مقابل: "الذین یحکرون السیئات" آنها که نقشه می‌کشند و توطئه می‌کنند و سیر نزولی دارند، "كُنْمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ مَكْرٌ أُولَئِكَ هُوَ يَبُورُ". (۱۱)

بخواست خدا درآینده روشن خواهیم نمود که چگونه به هلاکت می‌رسند، همان گونه که زمین بر دو قسم است: زمین دایره زمین بایر (یعنی "هالک" — بوار یعنی هلاک — زمین بایر سنگلاخ است نه آب دارد و نه قابل کشت و زرع است، تا احیا نشود، قابل کشت و زرع نیست) دل‌های مردم هم همینطور است: دل‌های دایره دل‌های بایر، جامعه دایره و جامعه بایر. و مؤمن، دایره است و منافق و نقشه‌های شوم وی، بایر و هالک خواهد بود. والسلام

ادامه دارد

است ولی وقتی که به گناهش ادامه داد سر از کفر در می‌آورد، دیگران این چنین معنی نکردند. این "متفق علیه" است که بیمار اگر معالجه و درمان نشود به سرحد مرگ می‌رسد:

"وَمَاتُوا وَ هُمْ كَافِرُونَ"

همانگونه که ایمان و عمل صالح انسان را سیر صعودی می‌دهد:

"يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ"

— در این دنیا خدا ایمانشان را کامل خواهد کرد و در آخرت هم:

"تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِي جَنَّاتٍ"

"النعم" (۹)

به وسیله ایمان به مقاماتشان می‌رسند، به بهشت‌هایی که نهرها از زیر آن جریان دارد

\*\*\*

سرچشمه عزت:

در آیه ۱۰ از سوره فاطر، به این سیر صعودی اشاره دارد:

"مَنْ كَانَ يُرِيدِ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيحًا"

هر که می‌خواهد عزیز باشد، پس تمام

می‌شود بعضی از همین مردم می‌گویند این سوره که آمده چه نقشی را ایفا میکند و چه اثری دارد؟ جواب می‌دهد، در باره گروه‌ها اثر مختلف دارد:

"فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَرَزَدَتْهُمْ إِيْمَانًا وَ هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ"

"وَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ..."

— آن‌ها که ایمان دارند، ایمان خود را تقویت نموده و خوشحال خواهند بود، و آن‌ها که بیماری در دل دارند و درمان ننمودند، به سرحد کفر و مرگ می‌رسند.

\*\*\*

سقوط انسان بر اثر ادامه معصیت:

"ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَنَاؤُوا السَّوْءِ"

## مهمترین نعمت‌های الهی عزت است و مؤمن

عزیز است که هرگز ذلیل نخواهد شد و حق ندارد

خود را ذلیل کند

"أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ" (۸)

— سرانجام آن‌ها که به معصیت و گناه ادامه می‌دهند این است که آیات الهی را تکذیب می‌کنند و به سرحد کفر می‌رسند.

استاد علامه طباطبائی در "المیزان" فرموده است: اسم کان، "و ان کذبوا" می‌باشد، یعنی عاقبت آدم‌های فاسق، کفر است. کسی که نماز نمی‌خواند، معصیت‌کار

عزت برای خداست. مهم‌ترین نعمت‌های الهی عزت است، و مؤمن عزیز است که هرگز ذلیل نخواهد شد و حق ندارد خود را ذلیل کند. ممکن است از لحاظ مالمی در زحمت باشد ولی عزت از مؤمن گرفته نمی‌شود، بعضی‌ها بجاهاتی خود را مرتبط می‌کنند که عزیز شوند:

"أَيَّتَعُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ"

- ۱ — سوره انعام، آیه ۳۶.
- ۲ — سوره بقره، آیه ۶.
- ۳ — سوره بقره، آیه ۹.
- ۴ — سوره فاطر، آیه ۲.
- ۵ — سوره اسراء، آیه ۸۲.
- ۶ — سوره بقره، آیه ۱۳.
- ۷ — سوره توبه، آیه ۱۲۵.
- ۸ — سوره روم، آیه ۱۰.
- ۹ — سوره یونس، آیه ۹.
- ۱۰ — سوره نساء، آیه ۱۳۹.
- ۱۱ — سوره فاطر، آیه ۱۰.